

پیام سترجنرال ارکانحرب محمد رفیع سابق معاون ریاست جمهوری افغانستان

به مناسبت بزرگداشت از حماسه بیستمین سالروز شهادت دوکتور نجیب الله



بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشاینده و مهربان!

هموطنان عزیز!

برادران و خواهران!

همرزمان گرامی!

اینک ما شاهد آن هستیم که مردم افغانستان از تمام گروههای قومی، پیروان مذاهب و گویندگان زبان های متعدد کشور، چه در داخل و چه خارج بطور گسترده آمادگی دارند تا بیستمین سالگرد حماسه شهادت دو کتور نجیب الله را با یادی از افکار، آرمانها و کارنامه های صلح خواهانه این شهید نامدار دفاع از تمامیت ارضی و ارزشهای ملی کشور گرامی دارند.

اجازه میخواهم من نیز به نوبه خویش درین محفل، نخست از همه به روح پاک شهید دوکتورنجیب الله رئیس جمهور، رهبر خردمند و ملت پرور افغانستان استدعای دعا نمایم و منحیث شخص نزدیک به او و معاون ایشان، خداوند(ج) را بالای سرم شاهد دانسته، صادقانه اظهار بدارم، که دوکتور نجیب الله در

حادثترین، بغرنج ترین و شدیدترین موقع "جنگ سرد" میان ابرقدرت ها، که وطن عزیز مان نیز تحت تاثیر آن به میدان داغ زورآزمائی آنها قرار گرفته بود، وظیفه و مسوولیت خطیر سیاسی پایان دادن به جنگ خانمانسوز، ختم برادر کشی و پایان دادن به ویرانی وطن را بدوش کشیده و مانند یک فرزند اصیل و خبیر مادر وطن، مسوولیت شان را بمثابه علم بردار روشنگری، رهنمائی و سوق دادن جامعه، مردم و حزب بسوی وحدت و رستگاری ملی، بسوی ختم جنگ و تامین صلح و بسوی خوشبختی، با متانت، پایداری و قبول قربانی و فداکاری بی سابقه در تاریخ سیاسی کشور و حتی جوامع ملل، ایفا نمودند. این شخصیت رسالتمند، بدون ضیاع وقت، با قاطعیت و با قامت رسا، مصمم و استوار با در نظر داشت ارزشهای ملی و بکاربرد شیوه های عنعنوی گفتار و کردار، در لویه جرگه سال 1366 هجری شمسی (29 ماه نوامبر 1987 میلادی) بعد از انتخاب ایشان بحیث رئیس جمهور جمهوری افغانستان، صادقانه و شریفانه شخصاً به دربار الهی التجاه نموده و در مقابل نماینده های ملت در همان جرگه بزرگ چنین تعهد سپردند:

"خداوندا، بمن نیروی جسمی و روحی اعطا فرما تا برای افغانستان ابائی در مقام عالی ریاست جمهوری خدمت صادقانه نمآیم .

خداوندا، برای من خرد و عقل نیاکان بزرگ مرا که موسسان دولت مستقل افغانستان بودند اعطاء فرما .

در پیشگاه این جرگه بزرگ و با اعتبار تعهد میسپارم که تمام انرژی، دانش، تجربه و اگر لازم افتد زندگی خود را برای اعمار افغانستان و امر مقدس صلح ملی وقف نمآیم". ... و هم چنان " وعده

میدهیم، که در تمام فعالیت های خود هیچگاهی از نورمها، عنعنات و سنن اسلامی و ملی که قرنها در نهاد مردم افغانستان پرورش یافته اند انحراف نه ورزم ."

فلهذا، وجداناً باید گفت، که دوکتور نجیب الله واقعاً مطابق به احکام کتاب خداوند یعنی قرآن پاک، شب و روز در تلاش آن بودند تا مردم رنجدیده و غذاب کشیده مان را از آتش جنگ خانمانسور و ویرانگر نجات داده بسوی ترقی و سعادت رهنمون گردند.

بر اساس همین تعهد بود که شهید دوکتور نجیب الله در زمان ذعامت خویش با قبول دشواری ها و خطرات متعدد ناشی از نیروهای مخالف داخل حزبی، در سطح ملی، منطقوی و جهانی توافقات مؤرخ 14 اپریل 1988 ژینو را تحت سرپرستی سازمان ملل و تضمین امریکا و شوروی آن وقت، با پاکستان امضاً و در نتیجه، باوجود عدم اعتنا پاکستان به این توافقات و نقض خشن آن، زمینه های خروج نیروها نظامی اتحاد شوروی را از افغانستان مساعد نمود که طی مدت نه ماه بعد از امضای توافقات مذکور، آخرین سرباز شوروی خاک افغانستان را ترک گفت.

افزون بر آن دوکتور نجیب الله در طرح و تعمیم پلان صلح پنج فقره ای مؤرخ 21 مارچ 1991 سرمنشی سازمان ملل تا سرحد و عده رسمی استعفا از مقام ریاست جمهوری، انتقال قدرت به یک شورای مبتنی بر مذاکرات بین الافغانی و عدم شرکت شخصی شان در پروسه انتقالی، پیش رفت که متأسفانه این پلان در نتیجه یک توطئه کثیرالجوانب خارجی ناکام و دوکتور نجیب الله شهید مجبور گردید تا به دفتر سازمان ملل در کابل پناه ببرند.

شهید دوکتور نجیب الله در زمان ذعامت خویش از سیاست ها و عملکرد حزب دموکراتیک خلق افغانستان چه قبل از ورود قطعات نظامی اتحاد شوروی و چه بعد از آن به صریح ترین و شفاف ترین جملات انتقاد بعمل می آورد. او با صراحت انتقاد میکرد که ما برای مردم «نان، لباس و خانه» را شعار میدادیم، اما مردم به عوض نان مرمی، به عوض لباس کفن و به عوض خانه گور، بدست آوردند. بر اساس همین برداشت های اصولی بود که مجمع عمومی حزب وطن مؤرخ 5 میزان 1391 که در کابل دایر گردید با اشاره به «پیوند تاریخی» حزب وطن با «ح.د.خ.» طی پیامی عنوانی مردم افغانستان، چنین خاطر نشان ساخت:

«ما اشتراک کنندگان این مجمع، اذعان میداریم که علی الرغم عدم نقش و سهم نسل کنونی اعضای حزب ما در تاسیس و سیاست گذاری های حزب دموکراتیک خلق افغانستان، نمیتوانیم از پیوند تاریخی حزب وطن با حزب دموکراتیک خلق افغانستان طفره رویم. خوشبختانه این نیز واقعیت دارد که همین نسل بمتابه اجرا کنندگان سیاست های آن حزب و با استنتاج از اثرات آن، به عدم کارایی برداشت های ایدولوژیک حزب مذکور و سیاست های مبتنی بر آن در شرایط کشور ما پی برده، با چنین درکی توانستند که تحت رهبری دوکتور نجیب الله بعد از مبارزه حاد درون حزبی علیه برداشت های ایدولوژی شده حزب و حامیان آن، در کنگره سرطان 1369 آن حزب را نفی و حزب وطن را با پذیرش اندیشه مصالحه ملی و با شعار «والصلح الخیر» وارد وضعیت سیاسی کشور سازند. بنابراین نسل کنونی اعضای حزب ما با توجه به درسهای تاریخی فوق و با در نظرداشت واقعیت ارتباط تاریخی حزب ما (حزب وطن) با حزب دموکراتیک خلق افغانستان، نمی توانیم به پیشگاه شما با علنیت تمام اشکار نسازیم که متأسفانه حزب دموکراتیک خلق افغانستان از مواضع ایدولوژیک خویش بمتابه یک طرف از نیروهای داخلی در تبدیل افغانستان به گرهگاه جنگ سرد میان ابر قدرت های جهانی نقش ایفا نمود و در نتیجه نتوانست اهدافی را تحقق بخشد که به مردم افغانستان تعهد سپرده بود. با توجه به همین حقیقت تلخ بود که رهبر شهید حزب ما دوکتور نجیب الله اظهار داشته بودند که: ح. د. خ. ا. به مردم وعده تامین «نان، لباس و خانه» را سپرده بود ولی مردم «به عوض نان مرمی، به عوض لباس کفن و به عوض خانه گور» بدست آوردند و به همین ملحوظ ایشان سیاست مصالحه ملی را سیاست «معذرت از مردم» میخواندند.

مجمع عمومی حزب وطن با وجود درک این حقیقت که در نضج و انکشاف وضعیت فاجعه بار کشور طی سه دهه اخیر، که هم اکنون نیز ادامه دارد، در کنار ح. د. خ. ا. و حتی بیشتر از آن سایر نیروهای سیاسی - نظامی دخیل افغانی و حامیان منطوقی و جهانی شان نیز مسوولیت دارند؛ ما نسل کنونی و بالنده حزب وطن، با سرمشق قرار دادن رهبر بی بدیل سیاسی مان - شهید دوکتور نجیب الله - نسبت پیوند تاریخی حزب ما (حزب وطن) با ح. د. خ. ا. و نقش این حزب (ح. د. خ. ا.) در حقایق

تلخ تاریخی فوق الذکر معذب هستیم . ما اعتراف مینمائیم که از حقایق تاریخی مذکور و با نقد آن در کنگره سرطان 1369 و هم درین مجمع عالی ، درسهای بزرگی فراگرفته ایم و در روشنی همین درسهاست که اینک با صداقت و صراحت تمام از این تربیون با اعتبار و از نام تمام اعضای حزب وطن نسبت به این پیوند تاریخی ، از شما مردم با شهامت افغانستان رسماً پوزش می‌خواهیم . بگذار نسل جدید سایر نیروهای سیاسی - نظامی افغانی دخیل در رویداد های سه دهه اخیر کشور ، نیز با تبارز توان آموختن از درس های گذشته و شجاعت اخلاقی اعتراف به اشتباهات شان ، ما را سرمشق قرار داده ، در مواضع مستقل ملی و مطابق به منافع کشور و با تفاهم بین الافغانی در امر اعمار مجدد ، ترقی و اعتلای اقتصادی - اجتماعی و تامین وحدت ملی ، مصدر خدمات صادقانه به مردم افغانستان گردند»

وطنداران قدرمند و وطنپرستان ارجمند!

امروز وطن محبوب مان متحمل وضعیت و شرایط بی نهایت سختی شده است. مردم با سرنوشت مبهم، حسرت آمیز و بسا دشواری مقابله می نمایند. در چنین حالت، از نیرو ها و اشخاصی که از این وضعیت رنج می برند و دلشان به وطن و وطنداران می سوزد صادقانه و شریفانه دعوت می نمایم تا برای بیرون کشیدن و رهائی کشور از بحرانات خطرناک و تهدید های مدعش امروزی با بزرگواری و انعطاف پذیری طبق عنعنات، عادات، جوانمردی، شهامت و فداکاری های بزرگان و نیاکان پرافتخار و سر فراز مان، بحکم تاریخ و صدای مادر وطن دورهم آمده، بسیج شده، تا متحدانه بتوانند در خدمت ملت و کشور باستانی و محبوب مان قرار گیرند.

یک بار دیگر تکراراً می‌خواهم به همه روشنفکران و نیرو های ملی اعلان بدارم که با ستیزه جویی و دوری جستن و حس کدورت، بدبینی، عقده و انتقام جویی درین وضعیت وخیم کشور، هرگز ممکن نمیگردد که به کشور و مردم مصدر خدمتی گردند. با صراحت اعلان میدارم که وضعیت جاری وخیم کشور ما از نیروهای ملی، ترقیخواه و دموکرات و از این میان: همه پارچه های متعدد جدا شده از حزب وطن، سایر احزاب، سازمانهای سیاسی و اجتماعی، ساختار های قومی، شخصیت های علمی و اکادمیک،

علمای دینی و روحانیون معزز و طندوست و ... دعوت مینمایم که با پیوستن شان در یک جبهه وسیع سراسری وطنی مبارزه علیه جنگ، جنگ افروزان و حامیان خارجی آنان و مبارزه علیه مافیای مواد مخدر، غصب زمین، فساد اداری و انواع دیگری از ساختارهای مافیایی را شدت بخشند. چشم امید مردم افغانستان و مردم جهان بسوی شماست تا رسالت تاریخی تان را ایفا نمائید. چنین است راه دستیابی به صلح و نجات کشور از بحران، راهی که دوکتور نجیب الله اندیشه، گفتار، کردار و حتی جانش را وقف آن نموده بود و در عزم خود مردانه و استوار تا پای دار پافشاری نمود.

روحش شاد و یادش ماندگار باد!

و من الله التوفیق